

## چرا شکایات کیفری ما به نتیجه نمی‌رسد؟

باسمه تعالی

اگر شاکی به این توضیحات توجه نکند از شکایت خود نتیجه نمی‌گیرد:

۱. شاکی در ارائه شکایت حتماً به ماده ۶۹ قانون آئین دادرسی کیفری باید توجه نماید.
۲. شکایت های کیفری مشمول مرور زمان هستند. لذا باید شکایتی مطرح شود که جرم به تازگی اتفاق افتاده باشد نه مربوط به چندین سال قبل باشد.
۳. شکایت باید در دادگاهی مطرح شود که جرم در حوزه قضایی آن دادگاه انجام گرفته یا در آن حوزه کشف شده باشد.
۴. شاکی به محض ارائه شکایت باید دلایل و توضیحات خود را ارائه و اگر شاهد یا گواه دارد به شورا معرفی و در غیر اینصورت تقاضای تحقیق یا معاینه محل نماید.
۵. شاکی باید شکایت خود را همواره پیگیری نماید. نه اینکه شکایتی را به شورا ارائه تا یک سال بعد پیگیری نکند.
۶. در شکایت کیفری خانم ها باید سه رکن را ثابت نمایند:  
الف - ثابت نماید که شوهرش او را از منزل بیرون نموده و خود ترک زندگی نکرده است و یا شوهر از منزل فرار کرده و او و فرزندانش را بدون هزینه و خرج و مخارج رها نموده است. و خانم حاضر به ادامه زندگی با شوهرش باشد.  
ب- ثابت نماید که در موقع ترک انفاق از لحاظ مالی در مضیقه می باشد و دیگران هزینه زندگی او را پرداخت می کنند.  
ج- ثابت نمایند که شوهر آنها تمکن مالی جهت پرداخت نفقه را دارد.
۷. مطالبه نفقه ایام گذشته یک امر حقوقی است. باید در قالب دادخواست حقوقی مطرح شود.
۸. در شکایت کیفری فروش مال غیر شاکی باید دو رکن اصلی را ثابت نماید:  
الف- شاکی مالکیت خود را بر اموال ثابت نماید.  
ب- شاکی باید سوء نیت مشتکی عنه را ثابت نماید و ثابت کند که قصد ضرر و زیان به شاکی را داشته است.
۹. در شکایت کیفری خیانت در امانت باید شاکی چند مورد زیر را ثابت کند:  
الف - ثابت نماید که این کالا یا این اشیاء بعنوان امانت به مشتکی عنه داده است.  
ب- ثابت نماید مشتکی عنه کالا یا شی او را از بین برده یا تخریب نموده یا شکسته است.  
ج- ثابت نماید که مشتکی عنه با سوء نیت قصد ضرر و زیان را به شاکی داشته است.
۱۰. در شکایت کلاهبرداری شاکی باید سوء نیت و قصد مشتکی عنه در مورد وارد نمودن به ضرر و زیان شاکی و سوء نیت او در انجام جرم را ثابت نماید.
۱۱. در دعاوی کیفری تصرف عدوانی شاکی باید ثابت نماید که سابقه تصرف او بر ملک یا اموال مورد تصرف بیشتر است و تصرف به صورت عدوانی و بدون اذن و اجازه او صورت گرفته است و مورد تصرف قبل از تصرف توسط مشتکی عنه در تصرف شاکی بوده باشد.

۱۲. در شکایت ایجاد مزاحمت شاکی باید این موارد را ثابت نماید که: ملک یا اموال هنوز در تصرف شاکی است و مشتکی عنه بدون دلیل بدون اینکه اموال را از تصرف او خارج کند برای او مزاحمت ایجاد می کند.

۱۳. در شکایت ممانعت از حق شاکی باید ثابت نماید که قبلاً از این حق استفاده نموده و حالا مشتکی عنه بدون دلیل از رسیدن شاکی به حق خود ممانعت می کند.

۱۴. در شکایت های ضرب و جرح و توهین و اهانت و بقیه موارد کیفری شاکی باید با معرفی شهود و گواه جرم را ثابت نماید. در صورت نداشتن شاهد یا گواه با اتیان سوگند ثابت نماید.

۱۵. برای هر نوع شکایت کیفری شاکی باید به ارائه دلیل و برهان و معرفی شهود و گواه یا اتیان سوگند بزه منتسب به مشتکی عنه را ثابت نماید.

۱۶. در شکایت های کیفری اگر شاکی رضایت بلا قید و شرط خود را اعلام نماید دیگر برای همان شکایت و پرونده می تواند شکایت کیفری نماید.

۱۷. برای اثبات جرایم کیفری باید به عنصر روانی و قانونی و مادی و معنوی جرم نگاه کرد که آیا اتهام وارده دارای این ویژه گی ها می باشد یا خیر برای نمونه:

ارکان جرم ترک انفاق:

جرم ترک انفاق نیز مانند سایر جرایم، دارای عناصر مادی و معنوی بوده طبق اصل قانونی بودن جرم و مجازات، برای آن در قوانین مصوبه، مجازات تعیین شده و مقنن چنین عملی را جرم شناخته است.

اول اصل قانونی بودن جرم و مجازات

دوم - عنصر مادی: عنصر مادی عبارت است از عمل مجرم که در خارج واقع می شود.

در بیشتر موارد، عنصر مادی جرم بصورت عمل یا فعل مثبت بروز می نماید اما گاهی اوقات، ترک فعل نیز می تواند به عنوان عنصر مادی برخی جرایم در نظر گرفته شود. به همین جهت نیز ماده ۲ ق.م.ا. هر فعل یا ترک فعل را که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم دانسته است.

سوم - عنصر روانی: بطور کلی برای تحقق عنصر روانی، وجود دو عامل ضروری است یکی اراده ارتکاب و دیگری قصد مجرمانه (خطای جزایی);

چهارم، اراده ارتکاب یعنی اینکه شخصی بخواهد این عمل را انجام دهد پس هر گاه به اجبار، اکراه و تهدید، به گونه ای که اراده وی در اثر آن اعمال به کلی سلب گردیده و مسلوب الاختیار شده، عملی را انجام دهد، فاقد اراده بوده است و در نتیجه عنصر معنوی

تحقق نیافته است. از طرفی هر گاه اراده انجام فعل را داشته اما قصد انجام عمل مجرمانه (در جرایم عمدی) را نداشته باشد، عنصر معنوی بزه کامل نبوده است و از این جهت نمی توان وی را مقصر و مجرم دانست.

در خصوص عنصر روانی ترک انفاق، از آنجا که عنصر مادی آن، ترک فعل است باید این ترک فعل بصورت ارادی ارتکاب یافته باشد؛ بنابراین هرگاه زوج در محبس بوده یا به علتی از جمله فورس ماژور نتوانسته است به زوجه دسترسی یابد تا نسبت به تادیه نفقه وی اقدام نماید، اراده‌ای در ارتکاب جرم نداشته است. پس صرف عمل مادی ترک انفاق زوجه و اقارب، جرم نیست؛ بلکه تقصیر تارک انفاق در پرداخت نفقه را نیز باید احراز نمود. از طرفی منفق در عدم تادیه نفقه باید دارای قصد مجرمانه بوده باشد. با این توضیح که قصور او در پرداخت نفقه، محروم کردن شخص واجب النفقه از حق قانونی و شرعی خود باشد؛ بنابراین هر گاه زوج به این علت که از زوجه طلبکار است از پرداخت نفقه وی خودداری نماید تا هنگامی که نسبت به طلب زوج و بدهی وی از بابت نفقه به زوجه، تهاتر ایجاد نشود نمی توان وی را مجرم و مستحق مجازات دانست.

منبع : وبلاگ عدالت و قضاوت

نوشته شده توسط موسی امیری